



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۸ خرداد ۱۳۹۱

مصادف با: ۶ رجب المرجب ۱۴۳۳

جلسه: ۳۶

موضوع کلی: وجوه اعجاز قرآن

موضوع جزئی: پاسخ به سه سؤال

سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

یک بحث در مورد اعجاز قرآن مربوط به اعجاز بیانی و بلاغت است، نکاتی را ما در این رابطه عرض کردیم و گفتیم دو سه مسئله در این رابطه باقی مانده است؛ یکی اینکه مفاد بعضی از آیات قرآن که در آنها تحدی به اتیان به سوره‌ای مثل سور قرآن شده آیا مختص به بلاغت است یا خیر؛ یعنی تحدی قرآن به خصوص بلاغت است یا خیر؟ دوم اینکه آیا این تحدی به بلاغت فقط منحصر به مردم آن دوران است یا خیر؟ و سوم اینکه آیا اعجاز قرآن منحصر به بلاغت است یا خیر؟

پاسخ به سه سؤال:

سؤال اول:

در مورد بحث اول ما عرض کردیم تحدی واقع شده در آیاتی مثل آیه شریفه «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ۗ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^۱ یا آیه شریفه «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ۗ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ، فَإِلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»^۲ به خصوص بلاغت است؛ یعنی اینکه تحدی و مبارزه طلبی می‌کند که اگر می‌توانید سوره‌ای مثل سوره‌های قرآن بیاورید فقط از حیث بلاغت تحدی می‌کند چون توجیه خطاب قرآن در صورتی معنی دارد که کسانی که به مبارزه طلبیده می‌شوند بتوانند با کسی که تحدی می‌کند هم‌آوردی کنند، اگر فرض کنید کسی دیگری را به مبارزه می‌طلبد در حالی که علم دارد مخاطبش توانایی انجام آن کار را ندارد این خطاب و مبارزه طلبیدن معنی ندارد. در آن دوران مردم از کمالات علمی بهره‌ای نداشتند و حتی خواص و اهل فن بلاغت هم از کمالات علمی بی‌بهره بودند و اگر قرآن می‌خواست به معارف و محتوایی که در آیات قرآن وجود دارد تحدی کند توجه خطاب قرآن به مردمی که از این کمالات بی‌بهره بودند صحیح به نظر نمی‌رسید ولی اگر خطاب قرآن را متوجه به کسانی بدانیم که در امر بلاغت متخصص و سرآمد بوده‌اند در این صورت توجه خطاب به مردم معنی دارد. پس علت اینکه ما می‌گوییم مفاد این آیات تحدی به خصوص بلاغت است این است که حسن توجه خطاب قرآن به مردم در خصوص آن امری است که قدرت مبارزه داشته باشند و تنها فضیلتی که مردم آن دوران داشتند در خصوص بلاغت بود لذا اگر قرآن از آنها می‌خواهد سوره یا سوری بیاورید که مثل سوره‌های قرآن باشند معلوم است که با توجه با فضیلتی بوده که در مردم آن زمان وجود

۱. یونس/۳۸.
۲. هود/۱۳ و ۱۴.

داشت و آنها خودشان را سرآمد آن فضیلت می دانستند. حال اگر ناتوانی آنها در خصوص بلاغت آشکار شود دلیل بر اعجاز قرآن می باشد. پس وجه اینکه تحدی قرآن را به خصوص بلاغت می دانیم این است که مردم آن دوران غیر از بلاغت فضیلتی نداشتند تا قرآن بخواهد بالنسبةً إلى سایر الجهات با آنها تحدی کند.

سؤال دوم:

بحث دوم این بود که آیا این تحدی به خصوص بلاغت که وجه آن معلوم شد فقط منحصر به مردم آن دوران بوده یا این تحدی نسبت به همه مردم إلى یوم القیامة باقی است؛ یعنی نه تنها مردم آن دوران با اینکه سرآمد فصاحت و بلاغت بوده اند از اتیان به مثل قرآن عاجز بودند بلکه در همه زمان ها این خصوصیت وجود دارد؛ یعنی مخاطب این خطاب مردم آن دوران و مردم زمان - های بعد هستند از این جهت که اگر می توانید کلامی مثل قرآن بیاورید که از حیث فصاحت و بلاغت در اوج باشد در حالی که نمی توانید این کار را انجام دهید، علت اینکه می گوئیم این تحدی شامل مردم همه اعصار می شود این است که قرآن معجزه جاویدان است چون معجزه پیامبر خاتم (ص) است و معجزه پیامبر خاتم (ص) باید إلى الأبد باقی باشد، اگر پیامبری در حدوث نیازمند اعجاز بود و قرار بود آن پیامبر، پیامبر خاتم باشد باید در بقاء هم این اعجاز حفظ شود و نبوت باقیه نیازمند معجزه باقیه است. نبوت سایر انبیاء نبوت باقیه نبوده و مربوط به یک دوران خاص بوده و متناسب با همان دوران هم معجزاتی از سایر انبیاء محقق شده است ولی بقاء این معجزات ضروری نبود چون نبوت آنها نبوت باقیه نبود. پس وقتی پیامبری، پیامبر خاتم بود قرار نیست که شریعت او منحصر به مردم همان زمان باشد بلکه قرار بر این است که این شریعت تا ابد باقی باشد و وقتی قرار است که این دین تا ابد باقی باشد باید مقرون به معجزه همان پیامبر هم باشد و در این صورت معجزه آن پیامبر هم باید ابدی و یک معجزه باقیه باشد وگرنه معنی نخواهد داشت که آن پیامبر آخرین نبی و شریعت او آخرین شریعت باشد پس معجزه او باید باقیه و ابدی باشد و تنها چیزی که صلاحیت دارد معجزه باقیه باشد از جنس کلام و کتاب است که در همه زمان ها باقی است وگرنه سایر معجزات نمی تواند باقیه باشد چون موجود می شود و بعد از آن معدوم می گردد پس غیر از کتاب و کلام چیز دیگری صلاحیت بقاء و خلود ندارد؛ چون نبوت باقیه است لذا معجزه هم باید باقیه باشد و تنها چیزی که این خصوصیت را دارد کلام و کتاب است، این گونه نیست که برای بقاء و در هر عصری ما محتاج ظهور یک معجزه جدید باشیم چون چنین چیزی شدنی نیست چون بدست پیامبر واقع نمی شود پس نمی شود گفت بقاء معجزه به این است که در هر عصری یک معجزه ای تحقق پیدا کند چون پیامبر خاتم از دنیا رفته و پیامبری نیست تا اعجاز به دست او واقع شود پس باید معجزه یک چیزی باشد که اعجاز آن در همه اعصار محفوظ باشد و فنا پذیر نباشد یعنی بقاء اعجاز به عنوان یک ضرورت باید در مورد هر فرد و نسلی إلى یوم القیامة محقق باشد؛ یعنی هیچ کس در هیچ زمانی نتواند چیزی مثل قرآن را بیاورد لذا اقتضاء نبوت باقیه که مربوط به پیامبر خاتم است این است که تحدی به قرآن در خصوص بلاغت إلى یوم القیامة باقی باشد.

سؤال سوم:

بحث سوم این بود که آیا اعجاز قرآن منحصر به بلاغت است یا خیر؟ اعجاز قرآن منحصر به بلاغت نیست و ما قبلاً چند وجه از وجوه اعجاز قرآن را ذکر کردیم که یکی از وجوه اعجاز قرآن بلاغت است. برای اینکه این مطلب روشن تر شود بد نیست به نسبت بین تحدی و اعجاز اشاره کنیم، بین تحدی قرآن و اعجاز قرآن فرق است، در مواردی قرآن تحدی کرده و مبارزه طلبی نموده مثل آیاتی که قبلاً عرض شد که در آنها تحدی به بلاغت شده که می‌فرماید اگر می‌توانید از حیث بلاغت مثل قرآن را بیاورید، اما اگر گفتیم در این آیات تحدی به خصوص بلاغت شده دلیل بر انحصار اعجاز قرآن در بلاغت نیست چون مواردی از اعجاز در قرآن وجود دارد که اصلاً قرآن به آن تحدی هم نکرده پس بین اینها فرق است.

اگر بخواهیم یک جمع‌بندی کلی داشته باشیم نسبت به وجوهی از اعجاز قرآن تحدی صورت گرفته است که این تحدی گاهی به صورت مستقیم است مثل آیه شریفه «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ۗ قُلْ فَاتُوا بَعْشَرَ سُوْرٍ مِّثْلَهُ مَقْتَرِبَاتٍ وَأَدْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ، فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ فَهَلْ أُنْتُمْ مُسْلِمُونَ»^۱ یا آیه شریفه «ذَلِكُمْ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۗ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ»^۲ یا آیه شریفه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ ۗ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»^۳ در آیه اول تحدی به بلاغت و در آیه دوم تحدی به اخبار از غیب است چون در ذیل آیه می‌گوید شما خبر از غیب ندارید و در آیه سوم تحدی به عدم اختلاف در قرآن است. پس در بعضی از موارد تحدی قرآن به صورت مستقیم است مثل تحدی به بلاغت، تحدی به اخبار از غیب و تحدی به عدم اختلاف در قرآن.

در بعضی از موارد تحدی به صورت غیر مستقیم است مثل آیه شریفه «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ»^۴ که خداوند متعال در این آیه شریفه غیر مستقیم تحدی می‌کند و می‌فرماید قرآن تبیان برای هر چیزی است که کنایه از این است که شما اگر می‌توانید چیزی بیاورید که مثل قرآن تبیان برای هر چیز باشد.

در بعضی موارد، اعجاز محقق است و بعضی از وجوه اعجاز قطعی و غیر قابل انکار است اما اصلاً تحدی به آنها صورت نگرفته است؛ مثلاً یکی از وجوه اعجاز قرآن اعجاز تشریحی است؛ یعنی اینکه قرآن مشتمل بر قوانین و مقررات و دستورالعمل‌هایی است که جامع و منطبق بر نیازهای انسان است و همه چیز در آن پیش بینی شده؛ یعنی اسلام قانونی فوق قانون بشری الی یوم القیامة وضع کرده است، اینکه خداوند متعال قانونی وضع کند که به حسب زمان‌ها و مکان‌ها تغییر نکند اعجاز است؛ چون قانونی که بشر می‌نویسد پر از نقص و مشکل است که نه جامع است و نه منطبق بر نیازهای انسان است و سلیقه‌ها و منافع قانون‌گذاران در آن دخیل است اما در مورد قانونی که خداوند وضع می‌کند این مشکلات وجود ندارد. پس اعجاز تشریحی در مورد قرآن مسلم است اما در آیات قرآن به اعجاز تشریحی قرآن تحدی نشده است ولی اینکه در قرآن تحدی به آن واقع نشده دلیل بر این نیست که اعجاز محسوب نشود.

۱. هود/۱۳ و ۱۴.

۲. یوسف/۱۰۲.

۳. نساء/۸۲.

۴. نحل/۸۹.

بعضی از وجوه دیگر برای اعجاز قرآن قابل ذکر است ولی عمده همین وجوهی است که ما ذکر کردیم لذا بحث اعجاز قرآن فی-
الجملة تمام است چون بنای ما هم بر اختصار و در حد آشنایی با رؤس مطالب مربوط به مقدمات تفسیر و علوم قرآن بود.
بحث‌های دیگری باقی مانده که انشاء الله در سال تحصیلی جدید به آنها خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»